ما من أحد تيه إلا من ذلة يجدها في نفسه

هیچ کس نیست که تکبر ورزد، مگر بر اثر خواری و حقارتی که در خود می‌بیند.

یادداشت

زیارت، فرصت بهره‌گیری از بهترین الگو

حجت‌الاسلام دکتر محمدرضا جواهری
عضو هیئت علمی دانشگاه فردوسی مشهد

زیارت نشانه ولایتمداری و از کارهای مستحب مهم و پرفضیلت است. این امر دارای آدابی بوده و قطعاً آثار و برکات زیادی در زندگی انسان دارد. زیارت غذای روح انسان و پیوند و جلادهنده او در مسیر معنویت و پروردگار، زمینه‌ساز رشد، کمال و شهادت و فرصت مناسبی برای بازگشت انسان از تباهی و انحرافات است. یکی از فضیلت‌های زیارت این است که زمینه غفران و آمرزش انسان را فراهم می‌کند و انسان توسط آن درس‌های بسیار می‌آموزد. زیارت توفیق الهی است، زائران هنگام زیارت با بزرگ‌ترین الگوی عملیاتی آشنا می‌شوند و زندگی خود را براساس آن شکل می‌دهند.

در یکی از روایات آمده است: اگر به زیارت امام رضا(ع) بروید از گناهان خود دور می‌شوید، گویی به زمان تولد خود بازگشته‌اید. انسان با این امر در مسیر الهی گام برمی‌دارد. زیارت مدرسه‌ای برای انسان‌هاست و آثار و برکاتی از جمله مصونیت از گناهان را برای انسان به ارمغان دارد، عامل بازدارنده از گناهان است، در جهاد اکبر زائران نقش ایفا می‌کند و به انسان امکان می‌دهد با هواهای نفس خود مبارزه کند.

آشنایی با سیره اخلاقی و معرفتی ائمه اطهار(ع) پیش از زیارت بسیار مهم است. فلسفه آداب زیارت در احادیث بسیاری وجود دارد، از آثار مهم زیارت امام هشتم(ع) راه یافتن به حریم مغفرت الهی و رهایی از آتش دوزخ و وارد شدن در بهشت موعود الهی است.

در روایتی یکی از یاران امام جواد(ع) نقل می‌کند: بر امام جواد(ع) وارد شدم و عرض کردم: کسی که پدرت را در طوس زیارت کند چه برایش قرار داده شده است؟ ایشان فرمودند: من زار قبر ابی بطوس غفر اللّٰه له ما تقدم من ذنبه وما تاخر؛ هر کس پدرم را در طوس زیارت کند، گناهان گذشته و آینده‌اش بخشیده می‌شود. راوی می‌گوید: پس از این واقعه، نزد ایوب بن نوح بن دراج رفتم و فرمایش امام را برای او نقل کردم، او گفت من هم این مطلب را از ایشان شنیده‌ام و نیز مطلب دیگری شنیدم که برایت نقل می‌کنم: از امام(ع) شنیدم که فرمود: من زار قبر ابی بطوس غفر له ما تقدم من ذنبه وما تاخر فاذا کان یوم القیامة نصب له منبر بحذاء منبر رسول اللّٰه صلی اللّٰه علیه وآله حتی یفرغ اللّٰه من حساب الخلائق؛ هر کس قبر پدرم را در طوس زیارت کند، گناهان گذشته و آینده او بخشیده می‌شود و روز قیامت منبری مقابل منبر پیامبر(ص) برای ایشان نصب می‌شود تا اینکه خدا به حساب خلائق رسیدگی کند. ایوب بن نوح وقتی خود این سخن را از امام نهم شنید، سال بعد، از کوفه به خراسان رفت و مرقد مطهر امام هشتم(ع) را زیارت کرد. یکی از شیعیان که او را دید و قبلاً این روایت را از وی شنیده بود، پرسید: ایوب! برای چه این همه راه آمدی؟ ایوب پاسخ داد: آمده‌ام به دنبال منبر!

همچنین علی بن مهزیار نقل می‌کند: خدمت امام جواد(ع) عرض کردم: ما لمن اتی قبر الرضا(ع)؛ برای کسی که قبر امام رضا(ع) را زیارت کند چه ثوابی قرار داده شده است؟ امام فرمودند: الجنة واللّٰه؛ قسم به خدا پاداش او بهشت است.

نکته‌ها

امام موسی صدر

چرا برای امام حسین(ع) گریه می‌کنم؟

من، حسینی که به رنجدیدگان اهتمام نورزد نمی‌شناسم. به حسینی که شهید گریه می‌نامندش ایمان ندارم. من به گریه و زاری برای سبک شدن و تخلیه هیجان و ناراحتی ایمان ندارم. ایمان من این است که امکان ندارد امام حسین جز برای احقاق حق کشته شده باشد. مگر او نبود که می‌فرمود: «ألا ترون الحق لا یعمل به و الباطل لا یتناهی عنه لیرغب المؤمن فی لقاء اللّٰه»؛ مگر نمی‌بینید به حق عمل نمی‌کنند و از باطل باز نمی‌ایستند؟ باید مؤمن طرفدار حق، به لقای خداوند دل ببندد. مگر او نبود که می‌فرمود: «و آنی ما خرج أشره ولا بطرأ و لا ظالمه و لا مفسده و إنما خرجت لطلب الإصلاح فی أمه جدی، أرید أن آمر بالمعروف و نهی عن المنکر»؛ من از سر شادی و سرمستی و تباهکاری و ستمگری قیام نکردم، بلکه برای طلب اصلاح در امت جدم به پا خاستم و می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم. مردان خدا، بندگان خدا و مؤمنان به خدا نیز باید به این امر اهتمام ورزند: هر کسی بنابر تخصص و شایستگی خود. من حسینی را که کشته شده تا من گریه کنم نمی‌شناسم. چرا من برای امام حسین(ع) گریه می‌کنم؟ من برای امام حسین(ع) گریه می‌کنم تا او را به یاد داشته باشم و به یاد داشته باشم او در برابر دنیایی از قدرت ایستاد؛ دنیایی که همگی دست به دست هم داده و از هر سو او را احاطه کرده بودند و او به تنهایی به میدان می‌رفت و به گفته کسی که صحنه جنگ را نقل می‌کند: «به خدا سوگند مردی را ندیدم که خویشان او کشته شده باشند، ولی چنین شجاعانه مبارزه کند». بنابراین من نمی‌توانم مراسم عزاداری امام حسین(ع) را از تلاش برای حمایت مجاهدان در مرزها جدا بدانم. من نمی‌توانم سوگواری برای امام حسین را درک کنم مگر آنکه بتواند قهرمانانی را تربیت کند؛ کسانی را تربیت کند که در برابر ستمگر بایستند و در برابر حاکم ستمگر سخن حق را بگویند. این است معنای حسین و معنای عزاداری برای امام حسین. مگر او نبود که بارها و با عبارت‌های مختلف می‌فرمود: «و إنی لا أری الموت إلا سعاده و الحیاه مع الظالمین إلا ما»؛ من مرگ را جز خوشبختی و زندگی با ستمگران را جز مایه دلتنگی نمی‌دانم. «الا و إن الدعی بن الأعی قد رکز بین اثنتین بین السله و الذله و هیهات منا الذله»؛ این حرامزاده پسر حرامزاده مرا میان دو چیز مخیر کرده است: میان شمشیر و تن دادن به خواری و هیهات که ما تن به خواری دهیم.

کتابخانه حسینی

درباره علامه عسکری و هدفش از نوشتن «مقتل امام حسین(ع)»

عالِمی که مقتل‌خوانی را جایگزین روضه‌خوانی بی‌حساب و کتاب کرد

رواق | «مقتل امام حسین (ع)» علامه سیدمرتضی عسکری، پنجمین کتابی است که در ستون کتابخانه حسینی مطالعه آن را پیشنهاد می‌کنیم. این کتاب که برگرفته از «معالم المدرستین» علامه عسکری است، روایتگر حوادث زندگی امام حسین(ع) از زمان مرگ معاویه تا حوادث پس از شهادت آن حضرت(ع) است.

مشخصه‌هایی که این کتاب را به منبعی دست اول برای مطالعه ذیل عنوان مقاتل سیدالشهدا(ع) تبدیل می‌کند، اول از همه جایگاه ممتاز علامه عسکری به عنوان یک مورخ و متخصص در تاریخ اسلام است. این موضوع از این نظر اهمیت می‌یابد که علاوه بر اطمینان مخاطب به صحت و سقم گزاره‌های مطرح شده در کتاب، ذکر سیر ترتیبی وقایع نیز برای او جذاب باشد.

دو ویژگی ممتاز بعدی این کتاب، استناد به منابع دست اول فراوان تاریخی و همچنین استفاده وسیع از منابع و کتب اهل سنت است. ویژگی مهم دیگری که نباید آن را از نظر دور داشت، اظهارات خود مؤلف در لابه‌لای سیر نقل حوادث است که با عبارت «مؤلف می‌گوید...» نکات دقیق و محققانه علامه عسکری ذیل حوادث را روایت می‌کند.

فارغ از مشخصه‌های ناظر بر متن و محتوای کتاب، در مقدمه‌ای که آیت‌اللّٰه محمدعلی جاودان بر نسخه جدیدالانتشار این کتاب نوشته، اصل نوشتن این کتاب توسط علامه عسکری را در راستای ارتقای فرهنگ عزاداری در سطح عامه مردم عراق و جلوگیری از روضه‌خوانی‌های بی‌حساب و کتاب ذکر کرده است. آیت‌اللّٰه جاودان این قضیه را این‌گونه روایت می‌کند: «علامه(ره) در عراق در سطح عامه مردم کارهای زیادی انجام داده بودند؛ از جمله همت گماشته بودند روضه‌خوانی بی‌حساب و کتاب روضه‌خوانان عراقی به مقتل‌خوانی، آن هم از روی نوشته و کتاب تبدیل شود. (که این کار هم انجام شده و ما نمونه آن را از سیمای جمهوری اسلامی دیدیم. شهید سید محمدباقر حکیم در یک تاسوعا و عاشورا در منبر صحن مطهر حسینی(ع) در حالی که بی‌قرار گریه می‌کرد، از روی نوشته مقتل می‌خواند و این به یک رسم در عراق تبدیل شده بود).

در بخشی از این کتاب، علامه عسکری ماجرای خبردار شدن امام حسین(ع) از شهادت مسلم(ع) و هانی را این‌گونه روایت می‌کند: «آگاهی همراهان از شهادت مسلم و هانی؛ طبری آورده حسین(ع) بر هیچ آبادی نمی‌گذشت مگر اینکه مردم آنجا با او همراه می‌شدند. وقتی به منزلگاه «زباله» رسید و خبر شهادت فرستادگان خود را که نزد کوفیان فرستاده بود به دست ابن‌زیاد، دریافت کرد نوشته زیر را بیرون آورد و برای مردم قرائت کرد: «اما بعد، اکنون خبر ناگواری به ما رسیده است. خبر کشته شدن مسلم بن عقیل و هانی بن عروة و عبداللّٰه بن یقطر و معلوم شد که شیعیانمان ما را یاری نکردند. هر کدام از شما که دوستدار بازگشت است، بازگردد که از جانب ما بر عهده‌اش عهد و پیمانی نیست» و مردم ناگهان از گرد او پراکنده شدند و به چپ و راست رفتند و حسین(ع) ماند و آن دسته از یارانش که از مدینه با او آمده بودند. امام(ع) این کار را به این دلیل انجام داد که می‌دانست بادیه‌نشینان گمان می‌کنند او وارد سرزمینی شده و حاکم می‌شود و مردم آنجا پیروی‌اش می‌کنند. بنابراین دوست نداشت این گروه با او همراه شوند، مگر آنکه بدانند به کجا می‌روند و خوب می‌دانست اگر موضوع برای آن‌ها روشن شود، کسی او را همراهی نمی‌کند؛ مگر آنکه یار و فداکار او باشد».

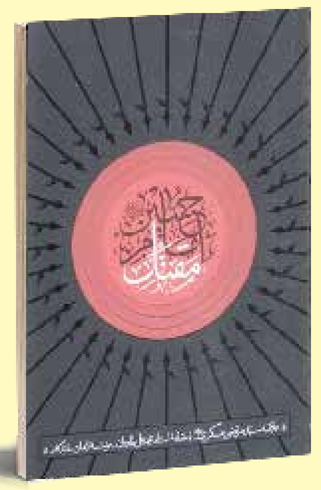

در گفت‌وگوی قدس با عضو هیئت علمی گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم بررسی شد

عوامل زمینه‌ساز نهضت بزرگ عاشورا

زهرا دلپذیر | نهضت تاریخ‌ساز امام حسین(ع) علیه نظام جور زمان، حرکتی آگاهانه و دارای ابعاد و اهدافی بزرگ و متعالی است که آثار و پیامدهای انسان‌ساز آن طی قرن‌ها همچنان جاری و ساری است و تا برقراری نظام عدل الهی و حکومت مهدی موعود(عج) ادامه دارد. عوامل زمینه‌ساز قیام امام حسین(ع) و واقعه کربلا را می‌توان از جنبه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و اعتقادی بررسی کرد. آن حضرت اصلاح امت جدشان رسول‌اللّٰه(ص) و امر به معروف و نهی از منکر را از جمله اهداف قیام خویش علیه نظام کفر و ستم اموی دانسته‌اند. در این زمینه با حجت‌الاسلام والمسلمین قاسم خانجانی، عضو هیئت علمی گروه تاریخ پژوهشگاه حوزه و دانشگاه قم به گفت‌وگو نشسته‌ایم. این استاد حوزه و دانشگاه پژوهش‌های زیادی را درباره تاریخ و سیره اهل بیت(ع) در کارنامه علمی خود دارد که از جمله آن می‌توان به کتاب‌های «تاریخ تشیع، دوره ظهور امامان معصوم(ع)»، «پژوهشی در سیره نبوی»، «شیخ مفید و تاریخ‌نگاری» و «تاریخ اسلام» و «دانشنامه سیره نبوی» اشاره نمود.

■ بحث را با عوامل زمینه‌ساز نهضت بزرگ عاشورا شروع کنیم. چرا امام حسین(ع) در دوران ۱۰ ساله ابتدای امامتشان روشی شبیه روش امام حسن(ع) در پیش گرفتند و قیام نکردند؟

شاید مهم‌ترین عاملی که سبب شد امام حسین(ع) پس از ۱۰ سال از امامتشان یعنی پس از شهادت امام حسن مجتبی(ع) و دوران معاویه که در حالت مدارا به سر می‌بردند دست به قیام بزنند و این مدارا را دیگر ادامه ندهند و به نوعی این قیام را تکلیف شرعی بدانند، تغییر حاکم و حاکمیت از معاویه به یزید بود. زیرا اگرچه معاویه از نظر تفکر و نوع نگاه به حکومت، دین و نبوت و مسائل دینی هیچ تفاوتی با یزید نداشت اما معاویه فرق مهمی با یزید داشت و آن اینکه متجاهر به فسق و فجور، دست‌کم مانند یزید نبود؛ یعنی سعی می‌کرد برخی از مسائل را اگرچه بدون اعتقاد به مبانی آن بر مبنای مسائل دینی، رعایت کند و این فسق و فجور را علنی انجام ندهد. مثلاً معاویه و یزید هر دو شراب می‌نوشیدند و خلاف‌های زیادی می‌کردند؛ معاویه بیشتر پشت پرده و در خفا این اعمال را انجام می‌داد اما یزید به لحاظ شخصیتی این تظاهر و تجاهل را نشان نمی‌داد و علنی فساد می‌کرد.

اما از نظر سیاسی یک مسئله مهم دیگری هم دخیل بود و امام حسین(ع) بر اساس متعهد بودن به پیمان صلح‌نامه ۱۰ سال مدارا کردند. برخی می‌گویند: سکوت امام، ولی درست نیست چون در گزارش‌های تاریخی اعتراض‌هایی را از جانب امام حسین(ع) داریم که نشان می‌دهد آنچنان که مشهور است در مقابل معاویه ساکت نبودند. اما به هر حال قیام نکردند و خروج از مدینه و حاکمیت نداشتند. حتی پس از شهادت امام حسن(ع)، برخی از اصحاب وفادار، مؤمن و صادق امام حسین(ع) خدمت آن حضرت در مدینه رسیدند و از ایشان درخواست قیام و اظهار همراهی کردند و به نوعی وعده و وعیدهایی دادند که نیروهایی را آماده می‌کنند و اگر لازم باشد در رکاب امام خواهند بود ولی امام حسین(ع) نپذیرفتند. حتی برخی از همان یاران، برداشت‌های نادرستی داشتند و به نوعی حالت دلگیری برایشان پیش آمد که چرا ما اعلام بسیج نیرو برای اباعبداللّٰه(ع) می‌کنیم ولی ایشان حرکت نمی‌کنند. منتها فرمایش امام حسین(ع) این بود: «کُونُوا أَحْلَاسَ بُیُوتِکُمْ...»؛ یعنی شما باید مثل زیرانداز خانه به خانه بچسبید و حرکت نکنید و تا معاویه بر مسند قدرت هست هیچ اقدامی انجام ندهید. اما وقتی در سال ۶۰ هجری، معاویه پیش از مرگ خود یزید را به عنوان جانشین معرفی کرد و پس از مرگش عملاً یزید بر سر کار آمد، شرایط کاملاً تغییر کرد و یکی از بندهای صلح‌نامه نادیده گرفته شد زیرا بنابر بندی از پیمان صلح‌نامه، معاویه نباید پس از خودش کسی را به عنوان جانشین معرفی می‌کرد. علاوه بر این، یزید فرد فاسدی بود که به هیچ وجه شرایط خلافت را نداشت. پس از این رویداد، رسماً از کوفه برای امام حسین(ع) نامه دعوت فرستادند مبنی بر اینکه شرایط فراهم است و شیعیان شما در کوفه آماده هستند. پس در درجه اول، اقدام معاویه برای تعیین جانشین که نه تنها یک عمل خلاف بود بلکه جانشین تعیین شده هم یک انسان فاسد و فاجر و نامناسب بود؛ دوم دعوت کوفیان و برخی یاران و اصحاب امام حسین(ع) برای قیام و سوم خطرناک بودن حضور امام حسین(ع) در مدینه و مکه، مهم‌ترین عوامل اجتماعی و سیاسی حرکت امام حسین(ع) بودند.

■ امام حسین(ع) در طول مسیر حرکت از مکه به سمت کوفه و هم در خود کربلا و واقعه عاشورا، تلاش داشتند اصول اعتقادی حرکت تاریخ‌ساز خود را برای مردم بیان نمایند و در فرازهایی از سخنان خود اصلاح امت جدشان رسول‌اللّٰه(ص) را از عوامل قیام خود عنوان کرده‌اند.

بله به نکته خوبی اشاره کردید. این موضوع بحث پشتوانه فکری قیام کربلا را شکل می‌دهد که مسئله بسیار مهمی است و در عبارت‌های مختلف آمده است. مشهورترین بینش سخنانی است که بنابر بر نقل‌ها در مواجهه امام با برادرشان محمد بن حنفیه و یا به شکل دیگری در مدینه از ناحیه امام حسین(ع) مطرح شده است که می‌فرمایند: «...و علی الاسلام السلام، اذ قد بلیت الامه براع مثل یزید»: اگر اسلام به حاکمی چون یزید گرفتار شود باید فاتحه آن خوانده شود. یعنی از اسلام چیزی باقی نخواهد ماند. در برخی نقل‌ها هم از قول آن حضرت آمده که فرمودند: «اگر دیدید روزی کسی مثل یزید بر شما حاکم شده تنها بر من، بلکه بر هر مؤمنی واجب است علم خود را اظهار کند و هر چه از حقیقت دین می‌داند را اظهار نموده و قیام کند». این یکی از مبانی مهم فکری اباعبداللّٰه برای قیام است. آن حضرت در طول سفر به سمت کوفه برای اینکه شائبه قدرت‌طلبی و رسیدن به حکومت نباشد این بیان مشهور را می‌فرمایند: «انی لم اخرج اشرا و لا بطرا و لا مفسدا و لا ظالما و انما خرجت لطلب الاصلاح فی امه جدی...». یعنی چه در این زمان و چه در آینده اگر شنیدید حسین بن علی قیام کرده، فکر نکنید برای قدرت‌نمایی، خودنمایی و ظلم و فساد بوده است. اما من دیدم امت جدم دچار فساد و دوری از مبانی و معارف دینی شده است. باید توجه داشته باشیم بحث فسادی که امام مطرح می‌کنند صرفاً گرفتار شدن به حاکمی مثل یزید نیست گرچه در رأسش یزید است ولی امام مسئله‌ای بزرگ‌تر و فراگیرتر را مطرح می‌کنند. باید توجه داشت جامعه اسلامی در سال ۶۰ هجری، شرایط اجتماعی بسیار متفاوتی با زمان رسول خدا داشت و انواع فسق و فجور و فساد در آن رواج یافته بود. پس منظور امام تنها حاکمیت یزید نیست اگرچه مهم‌ترین عامل و بزرگ‌ترین عاملش یزید بود. بعد امام تأکید می‌کنند: من می‌خواهم در امت جدم اصلاح ایجاد کنم و در ادامه این اصلاح در مسیر سیره جدم پیامبر(ص) و پدرم امیرالمؤمنین(ع) حرکت و اقدام نمایم. پس بزرگ‌ترین مایه فکری ابی‌عبداللّٰه برای قیام، اصلاح امت پیامبر(ص) از مفاسدی است که ایجاد شده بود که در رأسش حاکمیت یزید است.

■ نکته دیگری که امام حسین(ع) در ادامه سخنانشان به عنوان یکی از اهداف قیام عاشورا مطرح می‌نمایند بحث امر به معروف و نهی از منکر است. امر به معروف مدنظر امام چه ویژگی‌هایی دارد؟

در نگاه کلی خود حرکت امام حسین(ع) برای قیام، امر به معروف قلمداد می‌شود. ضمن اینکه خود آن حضرت یکی از اهداف قیام خود را امر به معروف و نهی از منکر دانسته‌اند: «اریدان آمر بالمعروف وانهی عن المنکر» یعنی من می‌خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم. وقتی بحث بیعت مطرح می‌شود امام می‌فرمایند: مثلی لا یبایع مثل یزید: یعنی هر کس، در هر زمان که شرایط ما را داشته باشد، یعنی معتقد به خدا و قرآن و پیغمبر(ص) باشد، اگر در مقابلش کسی مثل یزید قرار گرفت بیعت نخواهد کرد. این یک امر به معروف و نهی از منکر کلی و همیشگی برای همه دوره‌هاست. باید توجه داشته باشیم شاید مهم‌ترین درس قیام ابی عبداللّٰه این است که نخست قیام منحصر به امام حسین(ع) نیست. دوم منحصر به دوره‌های گذشته و صدر اسلام نیست. سوم قیام‌کننده نباید لزوماً امام معصوم باشد بلکه اگر هزار سال بعد یک آدم معمولی دید حاکمی مثل یزید آمده باید خروج و قیام نموده و مخالفت و نهی از منکر کند زیرا مهم‌ترین منکر، حاکم جور است. یعنی امام فقط نمی‌گویند یزید، بلکه می‌فرمایند: هر حاکمی که از نظر خوی و منش مثل یزید باشد. فلسفه قیام امام خمینی(ره) هم همین نوع تفکر است و بر همین مبنا ساکت ننشستند، قیام کردند و مشکلاتی چون تبعید را به جان خریدند و انقلاب اسلامی را به پیروزی رساندند. البته در همه دوره‌ها این عملیاتی نشده، حتی افراد و عالمانی به وظیفه عمل نکردند اما این مسئله دلیل بر سکوت عالمان در دوران دیگر نمی‌شود.

■ حضرت امام خمینی(ره) در یکی از سخنرانی‌های خود بدعت‌زدایی را یکی از اهداف مهم قیام تاریخی امام حسین(ع) دانسته‌اند. منظور از بدعت‌زدایی چیست؟

بدعت یعنی آوردن مسئله‌ای جدید که مغایر با باورهای بنیادی یک دین باشد. در زمان امام حسین(ع) بدعت‌های زیادی در دین به وجود آمده بود که باید آن‌ها را با دو نوع نگاه بررسی کرد: نخست بدعتی که از سوی معاویه صورت گرفت که همان تعیین جانشین بود، چون او هم از نظر رویه رفتار سیاسی دوره‌های گذشته حکومت مستقر در قلمرو اسلامی حتی از دوران خلفا و هم بر اساس پیمان و معاهده‌ای که با امام حسن مجتبی(ع) داشت نباید این کار را می‌کرد. دوم فردی که به عنوان جانشین معرفی شد هیچ مناسبتی با قرآن و نبوت و امامت و مسائل حلال نداشت و یک انسان فاسق و فاجر به عنوان جانشین معرفی شد. یعنی پس از ۵۰ سال از درگذشت پیامبر(ص) فردی به عنوان حاکم جامعه اسلامی معرفی می‌شود که بویی از قرآن و مسلمانی نبرده و از انجام هر نوع فسق و گناه آن هم به طور علنی ابایی ندارد.

■ از آثار و پیامدهای نهضت بزرگ عاشورا و راز ماندگاری حرکت بزرگ امام حسین(ع) طی قرن‌ها برایمان بگویید.

نباید واقعه کربلا را اتفاقی یک روزه بدانیم و آن را به روز دهم محرم سال ۶۱ هجری محدود کنیم چون نهضت عاشورا یک جریان مداوم تاریخی است که اتفاقاً ابتدایش به پیش از جریان کربلا برمی‌گردد. در واقع ابتدای جریان کربلا، بعثت پیامبر(ص) و بلکه با یک نگاه عمیق‌تر بحث بعثت پیامبران است. هدف این قیام هم رساندن انسان به کمال و سعادت همیشگی، متصل شدن به یک حکومت عدل و امامت امام معصومی که از نظر ما امام زمان(عج) است و جامه عمل پوشیدن احکام حلال و حرام در قالب حکومت مهدی موعود است. ما به کربلا این طور نگاه می‌کنیم؛ پس نتیجه در زمان ظهور مهدی هویدا و آشکار خواهد شد. اتفاقاً راز ماندگاری آن نیز همین است؛ چون محدود به زمان نیست. تعابیر خود امام حسین(ع) هم به گونه‌ای است که خودشان را به زمان محدود نمی‌کنند. یعنی بحث سال ۶۱ هجری نیست و یک جریان است که باید ادامه داشته باشد و تا به حکومت حاکم عادل معصوم و منصوب از طرف خداوند متعال نرسد این جریان ادامه خواهد داشت.

اثری از حسن روح‌الامین

گزیده

نباید واقعه کربلا را اتفاقی یک روزه بدانیم و آن را به روز دهم محرم سال ۶۱ هجری محدود کنیم چون نهضت عاشورا یک جریان مداوم تاریخی است که اتفاقاً ابتدایش به پیش از جریان کربلا برمی‌گردد. در واقع ابتدای جریان کربلا، بعثت پیامبر(ص) و بلکه با یک نگاه عمیق‌تر بحث بعثت پیامبران است.

تازه‌های نشر

در کتابی با عنوان «شب آفتابی»

داستان مصور حُر در کربلا منتشر شد

دفتر نشر فرهنگ اسلامی کتاب «شب آفتابی» اثر محسن نعماء که داستانی مصور از حضور حر بن یزید ریاحی در صحرای کربلاست را منتشر کرد.

به گزارش خبرگزاری کتاب ایران(ایبنا)، «شب آفتابی» نوشته محسن نعماء با تصویرگری حسین یوزباشی، داستانی مصور از حضور حر بن یزید ریاحی در ماجرای کربلا برای نوجوانان است که از سوی دفتر نشر فرهنگ اسلامی منتشر و راهی بازار نشر شده است.

این کتاب در ۱۳ فصل نوشته شده و اثری داستان‌گونه درباره «حُربن‌یزیدریاحی» است. مردی از خاندان بنی‌تمیم عراق و از رؤسای قبایل کوفیان که به درخواست ابن‌زیاد، برای مبارزه با امام حسین(ع) فراخوانده شده و از دارالاماره کوفه با مأموریت بستن راه بر امام حسین(ع) بیرون آمده است. زمانی که این مأموریت به عهده او گذاشته شد آن‌قدر در تب و تاب و شک و تردید بود که با خود می‌گفت: «ای وای بر من چگونه به مصاف با حسین‌بن‌علی بروم! در همین فکر بود که ندایی به او گفت مژده باد بر تو بهشت... که همان‌جا با خود می‌گوید مگر می‌شود به مصاف حسین‌بن‌علی رفت و بهشتی بود؛ اما با این حال وظیفه‌اش را انجام می‌دهد و به مصاف امام حسین(ع) می‌رود».

در بخشی از این کتاب می‌خوانیم: «صبح روز دهم محرم است. روزی که همه کائنات بی‌قرارند. آسمان می‌خواهد خون گریه کند و زمین از چشمانش خون بیفشاند و ماهی‌های دریا ضجه بزنند و پرندگان ناله و مویه کنند. دو لشکر روبه‌روی هم صف کشیده‌اند. لشکری که از کثرت نمی‌توان آن‌ها را شمرد و لشکری که از قِلت، به چشم نمی‌آیند. حتی کوچک‌تر از لشکر پیامبر در روز بدر. در آسمان‌ها غوغا برپاست. آن‌قدر که عرش الهی به لرزه در آمده است. ۳۰ هزار انسان‌نما که چهره برزخی‌شان به درنده‌ترین حیوانات می‌ماند پشت به پشت یکدیگر ایستاده‌اند تا برای رضای خدا، ولی خدا را در سرزمین کربلا ذبح کنند. حُر روی اسبش نشسته و حال و احوالش به مجانین بیشتر از هر کس دیگر شباهت دارد. آن‌قدر پریشان و آشفته است که گویی می‌خواهند او را زنده درون قبر بگذارند و سپس راهی دوزخش کنند».

«حر در حالی که چهره‌اش برافروخته شده، زیر لب با خودش زمزمه‌ای دارد: «به خدا قسم من خود را میان بهشت و جهنم می‌بینم و سوگند به پروردگارم، هیچ‌چیز را بر بهشت اختیار نمی‌کنم اگرچه پاره‌پاره شوم و مرا بسوزانند». حر این را می‌گوید و ناگهان به اسب خود نهیب می‌زند و به‌سوی اردوگاه امام حرکت می‌کند. لشکر ابن‌سعد شگفت‌زده به حر می‌نگرد که به اردوگاه حسین نزدیک می‌شود! همه مبهوت و حیران‌اند! همه، زبان‌هایشان از شدت تعجب بند آمده! هیچ‌کس چنین صحنه‌ای را باور نمی‌کند. ملحق‌شدن سردار سپاه عمربن‌سعد به لشکر حسین! آن هم در جنگی که سرنوشت آن معلوم است. لشکر امام زل‌زده به یک سوار که به سوی آن‌ها نزدیک می‌شود. همه کنجکاوانه نگاه می‌کنند ببینند کیست و چه می‌خواهد. جلوتر که می‌آید او را می‌بینند. سواری که رنگ از چهره‌اش پریده و دست بر سر گذاشته و با چشمانی اشکبار می‌گوید: بار خدایا. به‌سوی تو بازگشته‌ام. توبه مرا بپذیر که من رعب و وحشت در دل دوستان تو و فرزندان پیامبر افکندم...».

کتاب «شب آفتابی» اثر محسن نعماء در ۶۶ صفحه مصور به قیمت ۵۰ هزار تومان از سوی دفتر نشر فرهنگ اسلامی منتشر شده است.

ما جفت الدموع إلا لقسوة القلوب و ما قست القلوب إلا لكثرة الذنوب

چشم‌ها خشک نمی‌شود مگر به خاطر قساوت قلب و دل‌ها قساوت پیدا نمی‌کند مگر به سبب زیادی گناه.

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان کرمان
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک منطقه دو کرمان
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۱۹۰۷۸۰۰۰۴۵۸۵ مورخه ۱۴۰۱/۰۴/۱۲ هیات دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک منطقه دو کرمان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای سجاد رحمانی سربنانی فرزند علی اکبر بشماره شناسنامه ۱۵۷۹ صادره از زرند در ششدانگ یک باب خانه به مساحت ۱۹۹/۵ مترمربع که مقدار ۱۶/۶۲ مترمربع از ششدانگ عرصه آن متعلق بوقف می باشد پلاک ۴۳۷ فرعی از ۲۷۸۵ اصلی واقع در بخش ۲ کرمان آدرس کرمان شرف آباد کوچه امام رضا قطعه ۶۶ خریداری از مالک رسمی آقای حسن ایرانمنش محرز گردیده است لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.
شناسه آگهی: ۱۳۵۰۳۲۸ آ-۴۰۱۰۵۲۴۶
تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۱/۰۴/۲۸ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۱/۰۵/۱۲
محمودمهدی‌زاده رییس ثبت اسناد و املاک منطقه ۲ کرمان

آگهی قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی حوزه ثبتی قوچان

نظر به دستور مواد ۱ و ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مصوب ۱۳۹۰/۹/۲۰ املاک متقاضیانی که درهیات موضوع ماده یک قانون مذکور مستقر درواحد ثبتی شهرستان قوچان موردرسیدگی وتصرفات مالکانه وبلامعارض آنان محرز ورای لازم صادر گردیده جهت اطلاع عموم به شرح ذیل آگهی میگردد:

املاک متقاضیان واقع دربخش یک قوچان

۱-رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۶۰۱۰۰۰۰۸۸۵ تمامت پلاکهای ۳ فرعی از ۲۴۴۶ اصلی و ۲۴۴۷ اصلی و ۲۴۴۸-اصلی آقای مرتضی سروری یدکی نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۸۹۴/۳۲ مترمربع خریداری از آقایان وخانمها علی وهادی وصادق ورضا واصغروحسن ومحسن واکبر وفاطمه و کلثومه وشهربانو شهرت همگی سروری یدکی ومعصومه خسروی وزیور اربابی مالکین رسمی.

۲-رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۶۰۱۰۰۰۰۹۲۹ قسمتی از پلاک ۴ فرعی از ۳۸۴۸-اصلی خانم بتول توانامحمدآباد نسبت به ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۷۵/۳۸ مترمربع خریداری بدون واسطه از خانم محترمی مالک رسمی.

۳-رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۶۰۱۰۰۰۰۹۹۹ تمامت پلاک ۱۰۸ فرعی از ۴۱۸۳-اصلی آقای غلامرضا پورشاکلدی نسبت به ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۳۳۱/۷۵ مترمربع خریداری مع واسطه از آقای عبداله قاضی آستانه قوچان عتیق مالک رسمی.

۴-رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۶۰۱۰۰۰۰۸۲۲ قسمتی ازپلاک ۲۳ فرعی از ۴۴۹۹-اصلی اقای مراد علی جوادی اورته چشمه نسبت به ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۱۰۶/۰۵ مترمربع خریداری مع واسطه ازآقای محمدعلی حامل نیت کلاته میرزامحمدرضا مالک رسمی.

بخش ۲قوچان

املاک متقاضیان واقع دراراضی شهرکهنه پلاک ۳-اصلی بخش ۲قوچان

۵-رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۶۰۱۰۰۰۰۸۳۳ آقای محمدشفاعی چیتگر نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۴۲۹۰/۹۶ مترمربع ازمحل مالکیت رسمی ومشاعی متقاضی.

۶-رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۶۰۱۰۰۰۰۸۳۴ آقای محمدشفاعی چیتگر نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۲۸۴۲۴/۱۳ مترمربع ازمحل مالکیت رسمی ومشاعی متقاضی.

۷-رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۶۰۱۰۰۰۰۸۲۰ تمامت پلاک ۸۲۹ فرعی آقای حسن پوراسماعیل نسبت‌به‌ششدانگ‌یک‌قطعه‌زمین‌مزروعی به‌مساحت ۱۳۸۸/۲۹ مترمربع خریداری مع واسطه ازآقای علی شتابی مالک رسمی.

املاک متقاضیان واقع دراراضی کوشکزار پلاک ۲۹-اصلی بخش ۲قوچن

۸-رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۶۰۱۰۰۰۰۸۷۴ آقای جلیل کریمی نسبت به ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۱۶۶۹/۶ مترمربع خریداری بدون واسطه ازآقای غلامرضا کریمی مالک رسمی.

۹-رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۶۰۱۰۰۰۰۸۸۳ آقای مجید کریمی نسبت به ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۱۶۶۱/۶ مترمربع خریداری بدون واسطه ازآقای غلامرضا کریمی مالک رسمی.

۱۰-اراضی قازمه یادگار پلاک ۶۰-اصلی بخش ۲قوچان رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۶۰۱۰۰۰۰۸۲۶ آقای خدابخش محمدزاده یادگار نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۵۲۶۸۸/۷۵ مترمربع ازمحل مالکیت رسمی ومشاعی متقاضی.

۱۱-اراضی طویل پلاک ۷۸-اصلی بخش ۲قوچان رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۶۰۱۰۰۰۰۹۸۹ آقای علیرضا املی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین به مساحت ۱۷۰۰ مترمربع خریداری مع واسطه ازآقای علیخان بک صدساله مالک رسمی.

۱۲-اراضی کلاته بیر پلاک ۱۳۰-اصلی بخش ۲قوچان رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۶۰۱۰۰۰۰۸۹۷ آقای سید ابراهیم شهیدی یساقی نسبت به ششدانگ یک قطعه زمین مزروعی به مساحت ۱۸۷۶۳۹ مترمربع خریداری بدون واسطه ازآقای سیدجمال شهیدی مالک رسمی.

۱۳-اراضی فرخان علیا پلاک ۱۶۶-اصلی بخش ۲قوچان رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۶۰۱۰۰۰۰۹۸۷ آقای سعیدعلیزده قاچکانلو نسبت به ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۱۲۸/۰۷ مترمربع خریداری مع واسطه ازآقای محمدعلی بیگی فرخانی مالک رسمی.

۱۴-اراضی کلاته جانقلی پلاک ۱۶۸-اصلی بخش ۲قوچان رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۶۰۱۰۰۰۰۸۲۷ قسمتی ازپلاک ۲۹فرعی آقای رجبعلی یزدهی کلوخی نسبت به ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۲۴۵/۱ مترمربع خریداری مع واسطه ازآقای حسن اصغر ایمانی مالک رسمی.

۱۵-اراضی کلاته مصطفی پلاک ۱۶۹-اصلی بخش ۲قوچان رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۶۰۱۰۰۰۰۸۸۱ خانم ایران موسیقیدان نسبت به ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۲۵۴/۰۲ مترمربع خریداری مع واسطه ازآقای محمد محمدی مالک رسمی.

املاک متقاضیان واقع دراراضی نظرآباد پلاک ۱۷۲-اصلی بخش ۲قوچان

۱۶-رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۶۰۱۰۰۰۰۹۹۴ قسمتی ازپلاک ۹۲۰ فرعی آقای عادل فخریراتی نسبت به ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۶۸/۸۲ مترمربع خریداری مع واسطه ازآقای سیدحسن موسوی ازغدی مالک رسمی.

۱۷-رای شماره ۱۴۰۱۶۰۳۰۶۰۱۰۰۰۰۹۹۲ خانم زهره عالیشانی نسبت به ششدانگ یکباب منزل به مساحت ۷۱/۶۹ مترمربع خریداری مع واسطه ازآقای عزیزاله امیدوارمالک رسمی.

لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی وماده ۱۳ آئین نامه مربوطه این آگهی دردو نوبت به فاصله ۱۵ روز ازطریق این روزنامه محلی اکثیر الانتشار درشهرها منتشر ودرروستاها رای هیات الصاق تادرصورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید ازتاریخ انتشار اولین آگهی ودرروستاها ازتاریخ الصاق درمحل تادوماه اعتراض خودرابه اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم ورسید اخذ نمایندمعترض باید ظرف یک ماه ازتاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید وگواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که دراین صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است ودرصورتی که اعتراض درمهلت قانونی واصل نگردد یا معترض ،گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل راارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت مینماید وصدور سند مالکیت مانع ازمراجعه متضرر به دادگاه نیست بدیهی است برابر ماده ۱۳ آیین نامه مذکور درموردقسمتی ازاملاکی که قبلا اظهارنامه ثبتی پذیرفته نشده واحد ثبتی باارای هیات پس ازتنظیم اظهارنامه حاوی تحدید حدود، مراتب رادراولین آگهی نوبتی وتحدید حدود بصورت همزمان باطلاع عموم میرساندونسبت به املاک درجریان ثبت وفاقد سابقه تحدیدحدود واحد ثبتی آگهی تحدید حدود رایه صورت اختصاصی منتشر میتماید. آ-۴۰۱۰۵۹۸۲
تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۱/ ۰۵ / ۱۲
تاریخ انتشارنوبت دوم: ۱۴۰۱/ ۰۵ / ۲۷

عباس برق شمشیر
رئیس ثبت اسنادواملاک قوچان

[illegible]

مجتمع چاپ و نشر روزنامه قدس
مجهزترین چاپخانه شرق کشور با پرسنل خوشه ای
چاپ افست | شیت | رول
بوبین | سلفون | لیتوگرافی | صحافی | برش
۰۵۱-۳۷۶۷۶۵۹۶
مشهد مقدس، بلوار سجاد، نبش سجاد یک
(واحد سفارشات مؤسسه فرهنگی قدس)